

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱۳۱۵۷۴



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر

عنوان:

آموزش حقوق بشر برای کودکان دبستانی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر رضا اسلامی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عبدالهادی وحید فردوسی

دانشجو:

ماریا مرادی

نیمسال دوم سال تحصیلی

۱۳۸۷-۸۸

۱۳۱۵۷۶

برای اطلاعات بیشتر
شماره ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

۰۲۱/۸۸۸۸۸۸۸۸

دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

نام خانوادگی : نام : ماریا مرادی

سال ورود: مهر ۱۳۸۴

رشته تحصیلی : حقوق بشر

استاد راهنما: جناب آقای دکتر رضا اسلامی

تاریخ فراغت از تحصیل : نیمسال دوم ۸۸- ۸۷

استاد مشاور: جناب آقای دکتر عبدالهادی وحید فردوسی

عنوان پایان نامه: آموزش حقوق بشر برای کودکان دبستانی

چکیده

یکی از مهم ترین چالش های مطرح در جوامع بشری مساله عدم آشنایی افراد با مفاهیم حقوق بشر و در نتیجه نقض حقوق بشر در بسیاری موارد می باشد، برای حل چنین معضلی مهم ترین راه حل ایجاد آگاهی در ذهن نوجوانان است. با توجه به نقش آموزش در ارتقا و گسترش حقوق بشر در سطح جهانی می توان گفت آموزش حقوق بشر به شکلی سازمان یافته باید از اولین سطوح تعلیم و تربیت به ویژه در مرحله آموزش ابتدایی آغاز شده و در سراسر دوران تحصیل ادامه یابد. هسته اصلی بحث آموزش حقوق بشر در مدارس، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق کودک می باشد. آموزش حقوق بشر علاوه بر انتقال دانش باید منجر به کسب مهارت ها، تغییر در نگرش ها و به طور کلی توانمندسازی افراد شود. به منظور تحقق بخشیدن به آموزش حقوق بشر نیازمند شناخت و بررسی شیوه های آموزشی هستیم که بتواند ما را در رسیدن به این منظور یاری رساند. روش تدریس مشارکتی از نظر آموزشگران حقوق بشر موثرترین و نیرومندترین راه پرورش مهارت ها، نگرش ها و دانش کودکان و بزرگ سالان است. برای آفریدن شهروندان مسوول، مستقل و نیک اندیش به اصلاحات اساسی در آموزش نیازمندیم و این اصلاحات را ابتدا باید در برنامه های درسی و با تاکید بر مهارت های عملی برای حل مسایل آغاز کرد و نیز از روش های مناسب جهت ساده سازی مفاهیم حقوق بشر برای آموزش در مقطع ابتدایی استفاده شود.

کلید واژه : آموزش حقوق بشر، دوره ابتدایی، موضوعات حقوق بشر، روش های آموزش حقوق بشر

سزاوار است در این سطور از زحمات بی شایبه استادان ارجمند آقایان دکتر رضا اسلامی و دکتر هادی وحید قدردانی شایسته به عمل آورده شود که بی شایبه از اوقات گرانمایه خود، مایه گذاشتند و سراسر اوراق اثر را از دید تیزبین خود گذرانیدند. مسلماً عنایت و توجه کریمانه این اساتید و نیز اساتید بزرگوار دیگری چون آقایان دکتر سید علی سادات اخوی رئیس مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه تهران، دکتر محسن عبداللهی، دکتر انصاری، دکتر دولت رفتار، که در خلال نیازمندی، نگارنده را به شیوه ای علمی یاری کردند، تشکر نمایم.

تقدیم به مادرم خورشید،

که خورشید وجودش روشنی بخش سالهای ابریمان بود.

و به روح پدرم،

که مصداق نامش انسانی پاک و شریف بود.

برادران خوبم و خواهران مهربانم،

که بهانه لذت خاطرات شیرین کودکی ام بودند و با آنها جوانه زدم و

سبز شدم... چو نمان بهار

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
فصل اول: آموزش حقوق بشر و آموزش دوره ابتدایی	
۶	گفتار اول- آموزش حقوق بشر
۶	مبحث اول- مفاهیم آموزش حقوق بشر
۶	بند یک: آموزش
۸	بند دو: یادگیری
۱۰	بند سه: حقوق بشر
۱۱	مبحث دوم- ماهیت و اصول آموزش حقوق بشر
۱۳	مبحث سوم- ضرورت و اهمیت آموزش حقوق بشر
۱۶	مبحث چهارم- اهداف آموزش حقوق بشر
۱۸	بند یک: فراگیری درباره حقوق بشر
۲۰	بند دو: فراگیری برای حقوق بشر
۲۲	گفتار دوم- آموزش ابتدایی
۲۲	مبحث اول- اهمیت و ضرورت آموزش ابتدایی
۲۵	مبحث دوم- اهداف آموزش ابتدایی
۲۶	مبحث سوم- ویژگی های دانش آموزان دوره ابتدایی
۲۸	مبحث چهارم- ویژگی های معلم ابتدایی
فصل دوم: طرح کلی آموزش حقوق بشر در مدارس ابتدایی	
۳۱	گفتار اول- رابطه مدارس ابتدایی با آموزش حقوق بشر
۳۱	مبحث اول- اهمیت و ضرورت آموزش حقوق بشر در دوره ابتدایی
۳۵	مبحث دوم- نقش مدارس ابتدایی در آموزش حقوق بشر
۴۱	گفتار دوم- فرایند آموزش حقوق بشر در مدارس
۴۱	مبحث اول- فرایند آموزش حقوق بشر
۴۳	مبحث دوم- آموزش غیر رسمی و رسمی
۴۵	بند یک: مدرسه

بند دو: دبستان.....	۴۷
مبحث سوم- نقش معلم و الگودهی او در یادگیری محتوای حقوق بشر.....	۴۹

فصل سوم: محتوای آموزش حقوق بشر در دوره های ابتدایی

گفتار اول- اصول بنیادین آموزش حقوق بشر در مدارس ابتدایی.....	۵۳
مبحث اول- محتوای آموزش حقوق بشر.....	۵۳
مبحث دوم- معرفی اسناد بین المللی حقوق بشر برای آموزش در دوره ابتدایی.....	۵۷
گفتار دوم- طرح درس هایی در زمینه آموزش حقوق بشر برای دوره های ابتدایی.....	۶۲
مبحث اول- موضوعات مورد تدریس حقوق بشر در دوره ابتدایی.....	۶۲
بند یک: مواجه با تبعیض.....	۶۴
بند دو: تشابهات و تفاوت های انسان ها.....	۶۶
بند سه: ایجاد اعتماد به نفس.....	۶۸
بند چهار: رفع تعارض.....	۷۱
بند پنج: وضع مقررات در کلاس.....	۷۴
بند شش: تعیین حقوق و مسوولیت های دانش آموزان در کلاس.....	۷۵
مبحث دوم- آموزش حقوق بشر کودکان متناسب با دوره ابتدایی.....	۷۷
بند یک: حق زیستن در محیط زیست سالم.....	۷۷
بند دو: حق استراحت و اوقات فراغت.....	۸۱
بند سه: حق مراقبت و حمایت.....	۸۵
بند چهار: حق آزادی شرکت در انجمن ها و گروه ها.....	۸۸
بند پنج: حق برخورداری از آموزش.....	۹۲
بند شش: حق حمایت در برابر بهره کشی اقتصادی.....	۹۶
بند هفت: حق آزادی عقیده و بیان.....	۹۹
بند هشت: : حق امنیت اجتماعی.....	۱۰۲

فصل چهارم: روش ها (و ابزارهای) آموزش حقوق بشر در مدارس ابتدایی

گفتار اول- کلیاتی در مورد روش های آموزشی حقوق بشر.....	۱۰۷
مبحث اول- الگوهای متداول تدریس.....	۱۰۷

بند یک: انواع الگوهای نوین تدریس.....	۱۱۰
اول- گروه الگوهای اجتماعی.....	۱۱۰
دوم- گروه الگوهای خبر پردازي.....	۱۱۱
سوم- گروه الگوهای انفرادی تدریس.....	۱۱۲
بند دو: الگوی برنامه درسی فعالیت محور.....	۱۱۲
بند سه: الگوی برنامه درسی انسان گرایانه.....	۱۱۳
مبحث دوم- روش های آموزش حقوق بشر.....	۱۱۵
گفتار دوم- روش های آموزشی حقوق بشر در مدارس ابتدایی.....	۱۱۹
مبحث اول- انواع الگوهای تدریس حقوق بشر در مدارس ابتدایی.....	۱۱۹
بند یک: بارش مغزی.....	۱۲۲
بند دو: مطالعات موردی.....	۱۲۳
بند سه: بحث و گفتگو.....	۱۲۴
بند چهار: ایفای نقش.....	۱۲۷
بند پنج: بیان خلاق.....	۱۳۰
بند شش: گردش علمی.....	۱۳۱
بند هفت: پرسش و پاسخ.....	۱۳۳
بند هشت: استفاده از قصه گوئی.....	۱۳۵
بند نه: بازی.....	۱۳۷
بند ده: واحد کار.....	۱۳۸
بند یازده: روش پروژه یا طرح و اجرا.....	۱۳۹
بند دوازده: یادگیری بر اساس مساله محوری یا روش مساله ای.....	۱۴۰
بند سیزده: روش اکتشافی.....	۱۴۲
بند چهارده: استفاده از وسایل کمک آموزشی دیداری و شنیداری.....	۱۴۴
اول- تصاویر و عکس ها.....	۱۴۵
دوم- فیلم های ویدیویی.....	۱۴۶
مبحث دوم- تربیت آموزگاران حقوق بشر.....	۱۴۶
مبحث سوم- اقدامات انجام شده در ایران در مورد آموزش حقوق بشر در مدارس.....	۱۴۹
مبحث چهارم- پیشنهاداتی در مورد آموزش حقوق بشر در مدارس ابتدایی.....	۱۵۲

صفحه	عنوان
۱۵۴	نتیجه
۱۵۹	منابع
	پیوست - اسناد حقوق بشر در مدارس ابتدایی
۱۶۸	- نسخه ساده شده اعلامیه جهانی حقوق بشر
۱۷۰	- نسخه ساده شده کنوانسیون حقوق کودک

تقاضای یک کودک در قالب شعر:
اگر قرار بود کودکان تصمیم بگیرند
در جهان، نفرت پایگاهی نداشت،
و مردم همه هم آوازی گفتند،
که جنگ تنها یک واژه خواهد ماند...
اگر قرار بود کودکان تصمیم بگیرند
نه ارتشی وجود می داشت،

و نه سلاخی،

و سربازان همه هم پیمان با هم
دست دوستی هم می فشردند و در آزادی می زیستند...
اما چه کسی اهمیت می دهد که از کودکان پرسد
بابت تنهایی از عهده این همه بر نمی آسیم؛
دوباره آن حتما فکر کنید، منطقی باشید
به ما بیوفتید، راحت باشید.

حقوق بشر بی‌تردید مادر همه‌ی حقوق و اساس همه ارزش‌هایی است که بشر با آن‌ها و در آن‌ها زیست می‌کند و «زندگی انسانی» بدون آن بی‌معنا خواهد بود.^۱ «حقوق بشر ریشه در تمام مکاتب بزرگ فلسفی جهان داشته و مبنای نهضت‌های آزادی خواهانه و مساوات طلبانه در تمام جهان بوده و هست.»^۲ تاریخ بشر نشان دهنده تلاش‌های انسان‌ها برای تضمین رعایت حیثیت و کرامت انسان‌ها است.^۳

جنگ جهانی دوم نشان داد که نقض گسترده حقوق بشر در عرصه داخلی ممکن است به برهم خوردن صلح بین‌المللی بیانجامد. پس از نکبت‌ها و دهشت‌های این جنگ دیگر تردیدی نبود که «شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و سلب ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است». این نکته در اعلامیه جهانی حقوق بشر ثبت شده، اعلامیه‌ای که سنگ بنای قوانین بین‌المللی در مورد حقوق بشر در سال‌های پس از تصویب آن شده است.^۴ در این راستا دولت‌های جهان اقدام به تاسیس سازمان ملل متحد نمودند. سازمان ملل متحد از همان ابتدای تاسیس خود در سال ۱۹۴۵ بر اعتقاد و احترام به حقوق تمامی شهروندان کشورهایایی که در این سازمان عضو می‌شوند تاکید داشته است. در منشور سازمان ملل، حقوق بشر به عنوان محوری ترین وظیفه آن سازمان تلقی شده و این امر تا به حال نیز هم چنان به عنوان ماموریت اصلی سازمان ملل باقی مانده است.^۵ واقعیت تاسف بار آن است که حقوق بشر هر روزه در بسیاری از نقاط دنیا نقض می‌شود. «اجرا و رعایت واقعی این حقوق در گرو چندین عامل است که در رأس آن‌ها باید از شناخت قواعد، رویه‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط نام برد؛ تردیدی نیست که رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در صورتی امکان پذیر می‌شود که مردم آن‌ها را بشناسند.»^۶

1- ربانی، جعفر، «اولین گام‌ها در آموزش حقوق بشر»، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۴، دوره نهم، بهار ۱۳۸۵، ص ۵۶

2- امیر ارجمند، اردشیر، «آموزش حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۵۹

3- لوین، لیا، پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: قطره، ۱۳۷۷، ص ۱۷

4- همان، ص ۱۸

5- Nations Unies, L'enseignement des droits de l'homme: Activités pratiques pour les écoles primaires et secondaires, New York et Genève, 2004, p.10

6- لوین، پیشین، ص ۱۹

بر همین اساس است که سازمان ملل متحد، آموزش را یکی از حقوق اساسی بشر و آموزش حقوق بشر را نیز وسیله مهمی جهت ترویج حقوق بشر می‌داند. با توجه به اهمیت آموزش در پیشبرد رعایت حقوق بشر سازمان ملل متحد سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ را دهه آموزش حقوق بشر اعلام کرد، تا از این طریق موجب افزایش آگاهی جهانی از حقوق بشر و تقویت فرهنگ جهانی حقوق بشر شود. این دهه موجب شده است که در حدود سی کشور اقدام به اصلاح برنامه درسی مدارس یا کارهای دیگری جهت ترویج آموزش حقوق بشر بنمایند. سپس سازمان ملل در جهت یاری رساندن به آموزش حقوق بشر «برنامه اقدام دهه آموزش حقوق بشر» را تصویب نمود. هدف این برنامه ایجاد و برقراری برنامه‌های موثر آموزش حقوق بشر و تقویت نقش رسانه‌ها در این زمینه است.^۷ برنامه مزبور هم‌چنین به دنبال ترغیب شناخت نیازها و تهیه استراتژی‌های آموزشی، توسعه مطالب آموزشی و پخش اعلامیه جهانی حقوق بشر در سراسر جهان است. «سازمان ملل در این برنامه مصرا نه از دول عضو خواسته است تا طرح‌های ملی را با مشارکت سلسله وسیعی از نقش‌آفرینان جامعه مدنی جهت تقویت برنامه‌های آموزش حقوق بشر در سطوح ملی و محلی تهیه کنند»^۸

البته برای اجرای آموزش حقوق بشر باید به بافت فرهنگی، سیاسی، ویژگی‌ها و نیازهای مردمان هر منطقه توجه ویژه نمود زیرا آموزشی موثر و موفق است که با نیازهای زندگی واقعی افراد منطبق بوده و منجر به توانمند ساختن افراد شود. در آموزش حقوق بشر دو استراتژی متفاوت دنبال می‌شود هدف از اولی آموختن "درباره" حقوق بشر است و در دومی هدف آموختن "برای" حقوق بشر است نتیجه اعمال استراتژی اول آن است که درباره حقوق بشر بین‌المللی بیشتر خواهیم دانست و در پی به کارگیری استراتژی دوم انتظار می‌رود که مخاطبان آموزش در احقاق حقوق خویش توانا تر عمل کنند. هسته مرکزی مفهوم آموزش حقوق بشر عبارت از حیثیت انسانی، شناسایی، اقدام و جهان شمولی آن. با توجه به نقش آموزش در ارتقا و گسترش حقوق بشر در سطح جهانی می‌توان گفت آموزش حقوق بشر به شکلی سازمان یافته باید از اولین سطوح تعلیم و تربیت به ویژه در مرحله آموزش ابتدایی

7- اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل متحد، حقوق بشر در جهان امروز: اولوی برای سازمان ملل متحد، مترجم مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، چاپ اول، ۱۳۷۹، ۳۰

8- همان

9 -About human rights
10- For human rights

آغاز شده و در سراسر دوران تحصیل ادامه یابد. مواد آموزشی، کتب درسی و کمک درسی باید به گونه‌ای تهیه و تنظیم شوند که شهروندان از همان ابتدا متوجه این نکته شوند که خود فرد و دیگران دارای حقوق و آزادی‌ها و در مقابل آن تکالیفی هستند که باید از طریق احترام متقابل به دنبال دست یابی آن باشند. پس حقوق بشر به صورت آرمانی باید بخشی از دروس مدارس باشد و در تجربه‌های یادگیری دانش‌آموزان رسوخ کند و فراموش نکنیم که مدرسه نه فقط جایی است برای آموختن، بلکه مکانی است برای جبران خیلی از چیزهایی که در خانه ساخته نمی‌شود و باید در مدرسه ساخته شود. مدرسه جایی است که به وسیله افراد یک اجتماع تشکیل شده تا به جوانان کمک کند که بتوانند معلومات و سواد و طرز زندگی را بیاموزند تا در بزرگی از آن استفاده کنند. به همین علت از بچه‌ها انتظار می‌رود که در مدرسه مهارت‌های زیاد به دست آورند و از به وجود آوردن و ساختن چیزهای مختلف لذت ببرند؛ معلوماتی راجع به دنیا و زندگی کسب کنند و طرز فکر کردن را یاد بگیرند. در مدرسه است که به کودکان می‌آموزند چه طور با افراد مختلف سازش کنند.^{۱۱}

به همین علت شواهد و دلایل گوناگون، اثرات مثبت آموزش ابتدایی را در کاهش فقر و تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی انکار ناپذیر ساخته است.^{۱۲} «پیشگامان آموزش حقوق بشر در مدارس در آسیا نه تنها برای علاقه فردی مردم بلکه برای علایق جامعه به دنبال یافتن روش‌ها و ابزارهای آموزشی هدف مندند.» آن‌ها به طور تغییر ناپذیری سعی دارند حقوق بشر را با حقایق زندگی دانش‌آموزان پیوند دهند. در این موضوع، عامل ضروری جمع‌آوری تجارب در آموزش حقوق بشر به دانش‌آموزان در سنین پایین است.^{۱۳} موضوع حقوق بشر، حقوق کودکان، صلح و مفاهیمی که مورد بررسی قرار گرفته و آموزش داده می‌شود از مسایل بزرگ و علایق مشترک و مهم جهان معاصر هستند و به نظر می‌آید که مهم‌ترین کوششی هم که می‌باید صورت گیرد، فعالیتی است که برای کودکان و جامعه پذیر کردن آن‌ها با این ارزش‌ها باشد. به لحاظ این که رعایت حقوق بشر، رعایت حقوق

^{۱۱} - ردل، فریتس و وی‌ای‌ام. و. واتنبرگ، بهداشت روانی در آموزش، ترجمه و تلخیص نامید فخرای، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳، ص ۱۸۱

^{۱۲} - لاکهید، مارلن ای و آدریان ورسپور با همکاری دیگران، توسعه کمی و کیفی آموزش ابتدایی در کشورهای در حال توسعه «بازنگری گزینه‌های

گوناگون سیاست‌گذاری»، مترجمان جعفر سجادیه و محمد حسین علی‌زاده هنجی، تهران: وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۲

^{۱۳} - وزارت آموزش و پرورش و کمی‌ساری‌ای عالی حقوق بشر، مدارس، حقوق بشر و جامعه، پروژه آموزش حقوق بشر، ص ۸

کودکان، ایجاد صلح، مدارا و بسیاری از مفاهیمی که امروزه در عرصه بین‌المللی با آن‌ها روبرو هستیم و در سطح داخلی هم آن‌ها را لمس می‌کنیم، نیاز به فراگیری از زمان کودکی دارد. فکر و ذهن کودکان آمادگی لازم را دارد که سرمایه‌گذاری روی آن صورت گیرد و در آینده نتایج آن را ما ببینیم. تغییرات معمولاً در سنین بالاتر مشکل است.^{۱۴} در همین راستا سازمان علمی، تربیتی یونسکو اساسنامه‌ای را تدوین کردند که با این جمله شروع می‌شود: "از آن‌جا که جنگ در ذهن انسان‌ها شکل می‌گیرد، اندیشه صلح هم باید در ذهن انسان‌ها تشکیل شود." این جمله بسیار تامل‌انگیز است، برای این که انسان خشونت را رها کند و فقط به جنگ نیندیشد، باید آموزش ببیند، باید بیاموزد که به حقوق دیگران تجاوز نکند، به انسان‌ها مهر بورزد و دامنه افکارش وسیع باشد. آموزش تنها یاد دادن الفبا و شمارش اعداد نیست. به همین دلیل فصول این رساله بر آن است که آموزش، باید کودکان را برای زندگی در جامعه‌ای آزاد آماده کند. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که تصمیم‌گیری دموکراتیک چیست و چگونه است و همه مسایل مربوط به این امر، مثلاً اصل آزادی عقیده و بیان را، به طور تجربی و از طریق فرصت‌های مناسب سن و موقعیت خود فراگیرند. آموزش کودکان، هم چنین باید آن‌ها را برای زندگی در جهانی آماده سازد که در آن صلح و برابری همگان، تفاهم، مدارا و دوستی بین مذاهب، نژادها، ملیت‌ها و قومیت‌های گوناگون حاکم باشد. تجاربی که دانش‌آموزان در مدارس کسب می‌کنند باید چنان طراحی شده باشد که به آن‌ها در شناخت و درک مذاهب و تمدن‌ها، اهمیت صلح و برابری زن و مرد کمک کند. احترام و توجه به محیط زیست هم ارزشی والا و مهم است که باید توسط نظام آموزشی اشاعه و ترویج یابد و هم‌چنین به منظور تحقق بخشیدن به آموزش حقوق بشر نیازمند شناخت و بررسی شیوه‌های آموزشی هستیم که بتواند ما را در رسیدن به این منظور یاری رساند. به عبارتی از طریق استفاده از چه روش‌ها و شیوه‌هایی در آموزش حقوق بشر می‌توانیم به اعمال هر چه موثرتر این حقوق کمک کنیم، روش‌ها و فعالیت‌هایی که به کودکان و دانش‌آموزان مهارت، دانش و نگرش‌هایی را القا می‌کند که برای رسیدن به دنیای عاری

^{۱۴} - مصفا، نسرین، "مقدمه‌ای بر حمایت بین‌المللی از حقوق کودک"، مجموعه سخنرانی‌ها، مقالات و محتوای ارایه شده در کارگاه آموزشی حقوق کودک، به کوشش: زهرا بازرگان و جواد یزدانی سقرلو، بهمن ماه ۱۳۸۴، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، سال نشر: اردیبهشت ۱۳۸۵، "صص ۲۰-۱۹"

از نقض حقوق بشر به آن‌ها نیاز دارند؛ کودکان و دانش‌آموزانی که اگر حقوق بشر را به درستی به آن‌ها آموزش دهیم به شهروندان بزرگ سال مسوول، مستقل، نیک اندیش و علاقه‌مند به امور جامعه تبدیل شوند. سوالی که در این جا مطرح و به آن پرداخته می‌شود این که با استفاده از چه روش‌ها و ابزارهایی می‌توان محتواها و موضوعات حقوق بشر را به یک کودک دبستانی آموزش داد که با توجه به ویژگی‌های روانی و جسمی او قابل فهم و ملموس باشد و بتواند آن‌ها را در سنین بزرگ سالی اعمال نماید و هم‌چنین در راستای این آموزش چه مضامین و موضوعاتی با نظر به آن ویژگی‌ها باید مورد بررسی قرار گیرد و آموزش داده شود.

مطالب پژوهش حاضر در چهار فصل تنظیم و نگاشته شده‌اند، در فصل اول به ارایه تعاریف و تبیین مفاهیمی مانند آموزش و حقوق بشر می‌پردازیم و با بررسی مختصر در مورد ماهیت، ضرورت، اهداف آموزش حقوق بشر به ویژگی‌های دوره ابتدایی از قبیل اهمیت، اهداف این دوره و ویژگی‌هایی که دانش‌آموزان دوره ابتدایی و معلمان آن باید داشته باشند خواهیم پرداخت. سپس در فصول بعد به رابطه مهمی که این دوره با آموزش حقوق بشر دارد می‌پردازیم. هم‌چنین در فصل سوم به موضوعات و عناوینی خواهیم پرداخت که بهتر است در این دوره با توجه به رشد فکری و عاطفی کودکان دبستانی آموزش داده شود. در فصل پایانی هم با بررسی روش‌ها و ابزارهای مختلف آموزش حقوق بشر، به توضیح و ارایه انواع آموزش و الگوهای تدریس متناسب با این دوره خواهیم پرداخت.

فصل اول

آموزش حقوق بشر و آموزش دوره ابتدایی

انسان، فقط هوش، جسم، و یا قلب و روح نیست. بلکه ترکیبی متعادل و صحیح از هر سه این ها برای ساختن یک انسان کامل، مورد نیاز است و این هدف آموزش و تربیت است.

مهاتما گاندی

گفتار اول - مفهوم و اهمیت آموزش حقوق بشر

مبحث اول - مفاهیم آموزش حقوق بشر

بند یک: آموزش

در حال حاضر پیشرفت‌ها و تغییر و تحولات سریع جهان و تاثیر آن در شئون مختلف زندگی بشر، ضرورت آشنایی با تعلیم و تربیت به صورت مقدماتی و ساده را حتی برای افرادی که ساده‌ترین مشاغل را دارند روز به روز آشکارتر می‌سازد. مهم‌تر از آن صیانت ذات، انسان شدن انسان و حیات او به آموزش و پرورش بستگی دارد.^۱

واژه انگلیسی Education (آموزش و پرورش - تعلیم و تربیت) در اصل به معنای رهبری کردن یا به بار رسانیدن است. اگر بتوان نتایج ذهنی جریان آموزش و پرورش را در نظر گرفت، باید گفت که «آموزش و پرورش فعالیتی است که به ذهن انسان شکل و نظام می‌بخشد و آن را موافق موازین اجتماعی در می‌آورد».^۲

آموزش و پرورش جریانی دایمی است و نتیجه تجربیات روز افزون فرد می‌باشد. آدمی در طی زندگی خویش همواره بر اثر عمل و آزمایش نکته‌ای را در می‌یابد، و با هر دریافت جدیدی صاحب شخصیت جدیدی می‌شود و از دیدگاه تازه‌ای به کسب تجربه می‌پردازد و ناگزیر به دریافت نکات تازه دیگری نایل می‌شود. بنابراین در تعریف از آموزش و پرورش می‌توان گفت که «جریانی است متضمن نوسازی یا تنظیم مجدد تجارب که پیوسته آزمایش‌های فرد را غنی‌تر و عمیق‌تر می‌کند و او را در هدایت آزمایش‌های آتی تواناتر می‌سازد».^۳

1- ندیمی، محمد تقی و محمد حسین بروج، آموزش و پرورش (سه مقطع): ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه نظام جدید (واحدی)، تهران: مهرداد، چاپ چهارم، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳

2- دیویی، جان، مقدمه‌ای بر فلسفه آموزش و پرورش یا دموکراسی و آموزش و پرورش، ترجمه امیر حسین آریانپور، تهران: دانش‌سرای پسران تبریز با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۹، ص ۱۴

3- همان، ص ۶۹

از منظر دیگری آموزش و پرورش امری اجتماعی است که فعالیت‌های اعضای جوان جامعه را در مسیر مطلوب جامعه قرار می‌دهد و آن‌ها را به همکاری با سایر اعضای جامعه می‌کشاند و نیز آموزش و پرورش سبب تحصیل عاداتی می‌شود که موجب سازگاری فرد با محیط می‌شود.^۴

سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) آموزش را چنین تعریف می‌کند:

« آموزش و پرورش عبارت است از تمام کنش‌ها و اثرات و راه‌ها و روش‌هایی که برای رشد و تکامل توانایی‌های مغزی، معرفتی و همچنین مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتار انسان به کار می‌روند؛ البته به طریقی که شخصیت انسان را تا ممکن‌ترین حد آن تعالی بخشد و یکی از ارزش‌های مثبت جامعه‌ای که در آن زیست می‌کند باشد. در وجه محدودتر، اصطلاح آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت، به عنوان وسیله‌ای استفاده می‌شود که متوجه هر نوع فعالیت‌هایی باشد که هدف‌شان انتقال معارف نظری و عملی، به ویژه توسط وسایل منظم است.»^۵

تعلیم و تربیت دارای دو بعد است: ۱- آماده ساختن مردم برای تغییرات، ۲- نشان دادن چگونگی پذیرفتن این تغییرات و استفاده از آن‌ها و باید روحیه‌ای پویا و مبرا از سازش کاری و محافظه کاری در افراد به وجود آورد و در همان حال، باید نقش پادزهر را برای بسیاری از کژگونه سازی‌های انسان و جامعه ایفا کند. زیرا تعلیم و تربیت دموکراتیک باید بتواند برای ناکامی و سرخوردگی، برای زوال شخصیت و بی نام و نشانی در دنیای معاصر درمانی بیابد و از طریق آموزش مداوم، نایمنی را کاهش دهد.^۶

جان دیویی فیلسوف عمل‌گرا و مربی بزرگ، برای تعلیم و تربیت سه هدف قایل است:

۱- رشد طبیعی، ۲- قابلیت اجتماعی ۳- بسط شخصیت

او معتقد است که آموزش و پرورش وجهی از زندگانی است و باید هم‌سان زندگی عملی باشد و بدون آن که مقتضیات موجود حیات فرد را فدای آینده او کند، او را برای برخورداری از مواهب

4- دیویی، پیشین، صص ۵۲-۵۱

5- صفوی، امان‌الله، کلیات روشها و فنون تدریس، تهران: معاصر، ۱۳۷۴، ص ۱۱

6- یونسکو، آموختن برای زیستن، ترجمه محمد قاضی و دیگران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴، صص ۱۹۳-۱۹۲

طبیعت و اجتماع مهیا سازد. هدف مربی هوشمند «آموزش و پرورش برای زیستن» و روش او «آموزش و پرورش به وسیله عمل کردن» است.^۷

از نظر ژان ژاک روسو اندیشمند فرانسوی نیز کار تربیت دگرگون نمودن و اصلاح انسان نیست بلکه پروراندن او در جهت شکوفا شدن توانایی‌ها و قابلیت‌های اوست، به سخن دیگر کار تربیت از نظر روسو بازداشتن فعالیت‌های طبیعی کودک نمی‌باشد بلکه آزاد گذاشتن کودک و برانگیختن فعالیت‌های او است.^۸

ژرژ کرشن اشتاینر مربی بزرگ آلمانی، هدف آموزش و پرورش را دست‌یابی به ارزش‌های شهروندی می‌داند. وی معتقد بود که کودک بر اساس فرایندی از رشد درونی بزرگ می‌شود و آن چه کسب می‌کند، تا زمانی که با نوعی فعالیت شخصی جذب نشود، به طور واقعی جزء وجودش نمی‌شود. به گفته او «اگر هدف غایی تعلیم و تربیت را تشکیل شخصیت بدانیم، بهترین سازمان تربیتی آن خواهد بود که فرصت‌های لازم را برای رشد شخصیت فراهم کند.»^۹

از دیر باز انتظار از آموزش و پرورش آن بوده است که انسان‌های فردا را تربیت کند و نسل‌های امروز را برای زندگی و جامعه فردا آماده سازد.^{۱۰} در واقع وظیفه‌ی آموزش و پرورش ایجاد شرایط مطلوب برای پرورش تفکر است.^{۱۱}

بند دو: یادگیری

یادگیری، اساس رفتار افراد را تشکیل می‌دهد. از طریق یادگیری فرد با محیط خود آشنا می‌شود و در مقابل آن ایستادگی می‌کند و از محیط برای تامین احتیاجات خود استفاده می‌نماید. قسمت عمده‌ی رفتار آدمی آموختنی است. در زمینه‌ی عاطفی چگونگی بروز عواطف و طرز کنترل آن‌ها، شناختن خود و جهان خارج، رشد قوه تفکر و حل مسأله، پرورش وجدان اخلاقی، توسعه میزان‌های

7- دیوبی، پیشین، ص ۱۱

8- نوروزی، داریوش، احمد آقازاده، کریم عزت‌خواه، روش‌ها و فنون تدریس، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴، ص ۱۵۸

9- صفوی، پیشین، ص ۲۶

10- یونسکو، تفکر در باره تحولات آینده آموزش و پرورش، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۷

11- شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)، تهران: سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۷۸

عقلانی برای تشخیص خوب و بد و کنترل اعمال و رفتار شخصی همگی از طریق یادگیری امکان پذیر هستند.^{۱۲}

برای یادگیری تعریف‌های گوناگون شده است. بسیاری از معلمان یادگیری را عبارت از کسب اطلاعات، معلومات یا مهارت‌های خاصی می‌دانند. عده‌ای از مربیان آن را « انتقال مفاهیم علمی از فردی به فرد دیگر» تصور می‌کنند. در فرایند این نوع یادگیری نقش اساسی به عهده معلم است و شاگرد فعالیتی ندارد و بیشتر حالت پذیرندگی و انفعالی دارد. در جریان این نوع یادگیری احتیاجات و رغبت‌های شاگردان نیز مورد توجه مربیان قرار نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد جامع‌ترین تعریفی که تاکنون از یادگیری ارایه شده، تعریف هیلگارد^{۱۳} و مارکوویز^{۱۴} است. این دو روان‌شناس یادگیری را به این گونه تعریف کرده اند: « یادگیری عبارت است از فرایند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد، بر اثر تجربه.^{۱۵} یادگیری در این معنا جریانی است که در آن رفتار فرد از طریق تجربه تغییر می‌کند.

تجربه عبارت است از تاثیر متقابل فرد و محیط در یکدیگر. جریان یادگیری امری دایمی است و نسبت به افراد مختلف، متفاوت می‌باشد. در جریان یادگیری کل شخصیت فرد دخالت دارد، یعنی؛ جنبه‌های بدنی، خصوصیات روانی، هدف‌ها و تمایلات فرد و نحوه ارتباط آن‌ها با هم که کل شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد، تاثیر دارند. علاوه بر شخصیت فرد به طور کل، موقعیت یادگیری نیز در جریان یادگیری مؤثر است. منظور از موقعیت یادگیری، اوضاع و احوال و شرایطی است که در جریان یادگیری نفوذ دارد. شرایط مادی، مثل هوا، نور، محل نشستن و طرز نشستن و شرایط غیر مادی مثل تمایل یادگیرنده نسبت به امور مورد یادگیری، نظر او نسبت به معلم، ارتباط معلم و شاگرد، تمایل معلم و رابطه‌ی شاگردان با هم موقعیت یادگیری را تشکیل می‌دهند و این موقعیت به طور کل در جریان یادگیری تأثیر دارد.^{۱۶}

12- شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیتی، اصفهان: مشعل، ۱۳۴۹، ص ۳۱۴

13- Hilgard
14- Marquiz

15- شعبانی، حسن، پیشین، صص ۱۱-۱۰
16- شریعتمداری، پیشین، صص ۳۱۸-۳۱۷